

بررسی تطبیقی قابلیت جبران «ضرر اقتصادی» در مسئولیت مدنی

حسن بادینی*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۲۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶)

چکیده:

منظور از ضرر اقتصادی آن دسته از خسارات وارد شده به دارایی زیان‌دیده است که منشأ مادی (بدن یا مال) نداشته باشد. در پاره‌ای از کشورها مانند فرانسه، بلژیک و ایتالیا اصل بر قابلیت جبران ضرر اقتصادی است و اصولاً تفاوتی بین این نوع ضرر و سایر مصادیق ضرر وجود ندارد. اما در دسته‌ای دیگر از کشورها مانند انگلستان، آلمان و آمریکا ضرر اقتصادی قابل جبران نیست؛ مگر در موارد استثنایی. با توجه به قوانین فعلی حقوق ایران و بنیان‌های آن در فقه، حقوق ایران را نیز می‌توان در دسته اخیر قرار داد. به باور نویسنده بنا به ملاحظات اجتماعی و اقتصادی این وضعیت جزو ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت حقوق اسلام و ایران است نه کاستی و ضعف آن.

واژگان کلیدی:

ضرر اقتصادی، عدم‌النتفع، ضرر مالی، ضرر بدنی، کارایی اقتصادی، نقض قرارداد، نقض حق، اضرار عمدی.

مقدمه

در این مقاله منظور از ضرر اقتصادی^۱ تنها آن دسته از خسارات وارد شده به دارایی زیان‌دیده است که از صدمات بدنی یا زیان‌های وارد شده به اموال او ناشی نشده باشد؛ یعنی دارای منشأ مادی (بدن یا مال) نباشد. برای این که این مفهوم از ضرر اقتصادی از سایر معانی ضرر اقتصادی متمایز شود، در کامن لا واژه «صرف» (Pure) به دنبال آن اضافه شده است و عبارت «ضرر اقتصادی صرف» (Pure economic loss) در این معنی تخصصی رواج پیدا کرده است (Lunney and Oliphant, 2000, p. 307; Bar, volume2, 2000, p.30; Deakin, Johnston and) (Markesinis, 2008, p.157; Banakas, 1996). پرسش اساسی در این مقاله آن است که آیا «ضرر اقتصادی» قابل جبران است یا خیر و دلایل طرفداران و مخالفان قابل جبران بودن این گونه خسارات چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، حقوق ایران و اسلام، فرانسه، آلمان و انگلستان و چند کشور دیگر محور مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

گفتار نخست - قلمرو و مصادیق ضرر اقتصادی

الف - قلمرو ضرر اقتصادی

«ضرر اقتصادی» را نباید با «ضرر مالی» که خود می‌تواند به یک معنی جنبه اقتصادی باشد اشتباه گرفت؛ برای مثال، اگر منزل زیان‌دیده بر اثر تقصیر دیگری طعمه حریق شود، از آنجا که مالی را که او قبلاً مورد استفاده قرار می‌داده، از دست داده است، ضرر وارد شده از این جهت جنبه اقتصادی دارد، اما در هیچ کدام از نظام‌های حقوقی در مورد قابلیت جبران این گونه خسارات تردید نشده است. همچنین عناصر مالی خسارت بدنی (محروم شدن از درآمد، افزایش هزینه زندگی، هزینه‌های درمانی و هزینه به خاکسپاری) با توجه به اینکه بر حسب آثار مالی آنها و نه میزان صدمه ارزیابی می‌شود به یک معنی جنبه اقتصادی دارد، اما جزو «ضررهای اقتصادی» نیست و از طریق مسؤولیت مدنی قابل جبران است (Hedley, 2006, p.) (Lunney and Oliphant, 2000, p. 307; 128). وانگهی، روشن است که خسارت معنوی مفهومماً از قلمرو شمول ضرر اقتصادی خارج است. پس، باید توجه داشت که «ضرر اقتصادی» در مواردی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به دارایی زیان‌دیده آسیب وارد شده باشد (اقدام منفی آن

۱. «ضرر اقتصادی» در معنی وسیع به تمام خسارات ناشی از فعالیت های اقتصادی اعم از تولیدی و خدماتی، مانند مختل کردن کارکرد صحیح بازار از طریق رویه‌های ضد رقابتی یا ارایه اطلاعات غلط- مثلاً در بورس- اطلاق شده است (Nussenbaum, 2009, pp. 280-281). در معنای دیگر، ضرر اقتصادی به ضرری اطلاق شده است که بتوان به گونه‌ای عینی آن را ارزیابی کرد و از طریق پرداخت مبلغی معین پول بطور کامل قابل جبران باشد، به نحوی که بعد از پرداخت خسارت، ضرر کاملاً پاک شود و زیان‌دیده احساس نکند که متحمل ضرری شده است (Cane 1996, p. 5).

افزایش یافته باشد یا مانعی در راه افزایش اقلام مثبت آن بوجود آمده باشد)، اما به بدن و اموال او خسارت وارد نشده باشد (Elliot and Quinn, 2001, p. 20; Deakin, Johnston and Markesinis,) (2008, pp. 157-158).

ضرر اقتصادی ممکن است ناشی از نقض قرارداد باشد یا جنبه غیر قراردادی داشته باشد. در خصوص قابل جبران بودن ضرر اقتصادی ناشی از نقض قرارداد، تقریباً اختلافی بین نظامهای حقوقی وجود ندارد و حتی کشورهایی هم که اصل را بر غیرقابل جبران بودن ضرر اقتصادی می‌دانند به استناد اصل آزادی قراردادها و اصل حاکمیت اراده توافق اشخاص در این زمینه را محترم و قابل اجراء می‌دانند (Deschamps, 1996, p. 97; Deutsch, 1996, p. 79; Schilcher and Posch, 1996, p. 151). ایراداتی که معمولاً برای مخالفت با جبران ضررهای اقتصادی در مسئولیت قهری به آن استناد می‌شود (از جمله مشخص نبودن دامنه مسئولیت، کارایی اقتصادی و...) در خصوص ضررهای ناشی از نقض تعهدات قراردادی صدق نمی‌کند (Schilcher and Posch, 1996, p. 151). تحلیل‌گران اقتصادی بر این باورند که حمایت از ضررهای اقتصادی در حقوق قراردادها کارا است اما در مسئولیت مدنی این‌گونه نیست (Schäfer and Ott, 2004, pp. 258-259; Parisi, palmer and bussani, 2007, pp. 29-47).^۱

ب- مصادیق ضرر اقتصادی

در گذشته اموال مادی بیشتر ثروت جوامع را تشکیل می‌داد، اما امروزه با گسترش اقتصاد مبتنی بر بازار، تخصصی شدن جامعه، افزایش ارتباطات بین بخش‌های مختلف صنعت و مشاغل و تغییر شیوه زندگی انسان از روستائینی به شهرنشین، منافع مالی و اقتصادی اشخاص که ممکن است در نتیجه تقصیر دیگران دچار لطمه شود، مانند خسارات ناشی از رقابت تجاری، اعتصاب، عرضه کالاها و خدمات، مداخله اشخاص ثالث در روابط قراردادی و... افزایش یافته است (Lunney and Oliphant, 2000, p. 307; Bankas, 1996, p. 2). رویه قضایی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که موارد زیر جزو شایع‌ترین و مهم‌ترین مصادیق ضرر اقتصادی است: ۱- رایه تقصیر آمیز اطلاعات نادرست: در این موارد اگر بین خواننده و

۱. در کامن‌لا بر اساس «نظریه عوض» (Doctrine of consideration) این گونه خسارات قابل جبران شناخته شده است؛ یعنی، شخصی که در قرارداد متعهد به فراهم کردن عوض قراردادی شده است، انتظار دارد تا منافع مورد انتظار او از اجرای قرارداد تأمین شود و در صورت نقض قرارداد دادگاه باید از این منافع حمایت کند. در واقع، هدف از پرداخت خسارت در مسئولیت قراردادی این است که متعهد له (زیان‌دیده) در وضعیتی قرار داده شود که اگر قرارداد به درستی اجرا می‌شد او در آن وضعیت قرار می‌گرفت، در حالی که در مسئولیت مدنی غیرقراردادی جبران خسارت باید به نحوی باشد که زیان‌دیده را به وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار برگرداند (Cooke, 1999, p. 58).

خواهان رابطه قراردادی وجود داشته باشد، کمتر در جبران خسارت اقتصادی تردید شده است. بحث اصلی مربوط به فرضی است که زیان‌دیده با ارائه‌دهنده اطلاعات رابطه قراردادی ندارد (Deutsch, 1996, p. 84). برای مثال، حسابرسی به دلیل سهل‌انگاری، ارزش شرکتی را اشتباه ارزیابی می‌کند. شخص ثالثی که با حسابرس رابطه قراردادی ندارد به گزارش حسابرس اعتماد می‌کند و شرکت را به قیمتی بالاتر از قیمت واقعی می‌خرد و در نتیجه دچار ضرر می‌شود (Schäfer and Ott, 2004, pp. 253-254). ۲- انجام تقصیر آمیز خدمات حرفه‌ای: در حالی که اطلاعات نادرست لزوماً باید از طریق گفته یا نوشته‌ای ارائه شده باشد، نحوه ارائه خدمات حرفه‌ای موضوعیت ندارد و به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد؛ یعنی، ورود ضرر ممکن است مستقیماً صورت گیرد و نه از طریق نوشته یا سند. مثال شایع این فرض موردی است که مشاور حقوقی در اجرای خواسته موصی در وصیت‌نامه تقصیر کند و به همین خاطر ذی نفع از مال مورد وصیت محروم شود (Fledthusen, 1996, p. 139). ۳- تولیدات و بناهای معیوب: ضرر مالی که در این خصوص ممکن است به بار آید عبارت است از ضرر مادی وارد شده به خود کالا یا ساختمان و ضرر اقتصادی شامل کاهش بهای کالا یا ساختمان، هزینه‌های تعمیر، هزینه‌های تهیه کالای جایگزین و سایر هزینه‌های متفرقه مانند هزینه رفت و آمد، اتلاف وقت، هزینه مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث و ... است. برای مثال، اگر به دلیل عیب ماشین آلات خریداری شده خط تولید کارخانه خریدار متوقف شود و او نتواند به تعهد خود در مقابل اشخاص ثالث عمل کند و به این دلیل مسئول پرداخت خسارت شناخته شود، ضرری که به او وارد می‌شود جنبه اقتصادی دارد (Whittaker, 2005, p. 184). همچنین است اگر به خاطر استفاده از مواد خام معیوب در ساختن بنا، بدون این که به اموال مادی خسارت وارد آید، سیستم گرمایش ساختمان از کار افتد (Schilcher and Posch, 1996, p. 165). ۴- ضرر اقتصادی رابطه‌ای (Relational economic loss): این قسم از ضرر اقتصادی را که می‌توان ضرر اقتصادی بازتابی هم نامید، هنگامی است که در نتیجه تقصیر خواننده به دیگری خسارت بدنی یا مالی وارد می‌شود، اما علاوه بر زیان‌دیده اصلی، شخص ثالث هم (زیان‌دیده بازتابی) متحمل ضرر می‌شود. زیان‌دیدگان بازتابی خود دو دسته‌اند: دسته‌ای از آنها با زیان‌دیده اصلی رابطه قراردادی دارند و دسته دوم شامل اشخاصی است که چنین رابطه‌ای ندارند و ضرر آنها ناشی از شبکه‌های پیچیده روابط اقتصادی جامعه امروزی است (Gray, Volume 1, 1999, p. 243). برای مثال، شخصی که تعهد کرده برای دیگری تونلی حفر کند در نتیجه تقصیر شخص ثالث (مثلاً جاری شدن آب از ملک مجاور) متحمل هزینه‌های اضافی برای حفر تونل شود و یا آن را با تأخیر انجام دهد (Cattle v. Stockton Waterworks Co. 1875). همچنین اگر یک فوتبالیست مشهور مصدوم شود و نتواند بازی کند، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا علاوه بر خسارات وارد شده

به او، ضررهایی که به باشگاهی که با آن قرارداد داشته و در آن بازی می‌کرده است قابل مطالبه است یا خیر؟^۵ - ضرر اقتصادی منتقل شده (Transferred loss): در این دسته از دعاوی، خطاکار به زیان‌دیده ضرر مالی یا بدنی وارد می‌کند، اما به موجب قرارداد یا قانون شخص ثالثی باید ضرر را جبران کند. برای مثال، چنانچه مال تلف شده تحت پوشش بیمهٔ اموال باشد و به موجب قرارداد بیمه، بیمه‌گر مکلف به جبران خسارت باشد، آیا شرکت بیمه بعد از جبران خسارت زیان‌دیده می‌تواند به خطاکار مراجعه کند؟ این پرسش در فرضی نیز مطرح می‌شود که به دلیل فعل زیانبار، کارگر موقتاً توان کارکردن را از دست دهد، اما کارفرما به موجب قانون مکلف به ادامهٔ پرداخت مزد به او باشد (Paris, palmer and bussani, 2007, pp. 40-41).^۶ - ضرر اقتصادی ناشی از توقف خدمات عمومی یا آسیب به زیرساختها و اموال عمومی: در دسته‌ای از ضررهای اقتصادی به مال یا بدن شخصی خاص خسارت وارد نمی‌آید، بلکه به دلیل توقف خدمات عمومی یا آسیب به زیرساختها و اموال عمومی (مثل بسته شدن بازارهای مالی یا بزرگراهها) فعالیت اقتصادی عده‌ای متوقف می‌شود و در نتیجهٔ آن متحمل ضرر اقتصادی می‌شوند. جبران این قسم از ضرر اقتصادی به دلیل محصور نبودن و زیاد بودن تعداد زیان‌دیدگان، بسیار مورد اختلاف است و دادگاهها تمایل چندانی به جبران آن ندارند (Ibid, pp. 42-43).^۷ - ضرر اقتصادی ناشی از تقصیر دولت و مقامات عمومی: ضرر اقتصادی ممکن است ناشی از اقدامات تقصیرآمیز دولت و مقام های عمومی باشد؛ مثل این که به دلیل تقصیر مقامات عمومی در نظارت بر مقررات ساختمان‌سازی، یا تقصیر در دادن یا ندادن پروانهٔ ساختمانی یا تقصیر در تأمین ایمنی شهروندان ضرر اقتصادی متوجه آنان شود (Schilcher and Posch, 1996, pp. 166-167; Feldthusen, 1996, pp. 142-143; Bar, vol.2, 2000, p. 44, note, 287).

گفتار دوم - نظام‌های باز و نظام‌های بسته و دلایل آنها

الف - نظام‌های باز

در حقوق فرانسه دست کم از لحاظ نظری تفاوتی بین «ضرر اقتصادی» و سایر خسارات وجود ندارد و اصولاً در صورت تحقق شرایط مسؤولیت مدنی مطابق «اصل جبران کامل خسارت» هر نوع خسارتی^۱ قابل جبران است و در عمل دادگاه‌های این کشور ضررهای اقتصادی را نیز مورد حکم قرار می‌دهند. برای مثال، در یکی از دعاوی که به دلیل حادثهٔ رانندگی اتوبوس‌های شرکت تأخیر کرده بودند و به این دلیل نتوانسته بودند مسافر سوار کنند،

۱. بر اساس مادهٔ ۱۱۴۹ قانون مدنی این کشور که رویهٔ قضایی آن را به مسؤولیت غیرقراردادی هم تسری داده است: «خساراتی که باید به متعهدله پرداخت شود؛ بطور کلی شامل آن چیزی است که تلف شده و منافی است که زیان‌دیده از آن محروم شده». در واقع، زیان‌دیده باید به وضعیت قبل از روی دادن فعل زیانبار برگردانده شود.

دادگاه شرکت اتوبوسرانی را مستحق دریافت کرایه مسافری از خطا کار دانست. یا در دعوایی دیگر که به خاطر قطع لوله اصلی انتقال گاز خط تولید کارخانه ای متوقف شده بود، تقاضای جبران خسارت صاحب کارخانه از عامل حادثه پذیرفته شد (Van Dam, 2006, p. 172, no. 712). همچنین در سال ۱۹۷۷ که در نتیجه ریختن اسید رقیق شده بوسیله شرکتی به مدیرانه به صنعت گردشگری آنجا خسارت وارد شده بود، به گروه های زیادی که متحمل زیان شده بودند، خسارات قابل توجه پرداخت شد (Schäfer and Ott, 2004, pp. 257-258). با این همه در حقوق این کشور اعمال «اصل جبران کامل خسارات» در خصوص ضرر اقتصادی صرف به سه طریق، قراردادی، قضایی و قانونی قابل تعدیل است: الف. تعدیل قراردادی: در اجرای اصل حاکمیت اراده که در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی این کشور پذیرفته شده است، طرفین قرارداد می توانند از طریق درج شرط در قرارداد، مسؤلیت خود نسبت به پرداخت خسارت اقتصادی صرف را محدود کنند یا از بین برند. ب. تعدیل قضایی: قضات در عمل از طریق اختیاراتی که دارند برای رعایت مقتضیات انصاف و عدالت به شیوه های مختلف می توانند با دور زدن اصل جبران کامل خسارت در راه جبران ضررهای اقتصادی محدودیت ایجاد کنند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: به هنگام ارزیابی مستقیم و مسلم بودن زیان، چنانچه جبران این گونه ضررها معقول و منصفانه نباشد می توانند به دلیل مسلم نبودن و غیرمستقیم بودن با جبران آن مخالفت کنند. همچنین آنان به هنگام ارزیابی کمی خسارات بر حسب مورد با توجه به شدت و ضعف تقصیر واردکننده زیان، تقصیر مشارکتی زیاننده و قابل جبران بودن یا نبودن خسارت از طریق بیمه، می توانند بر قلمرو جبران ضررهای اقتصادی تأثیرگذار باشند. وانگهی، دادگاهها در مقایسه با خسارات بدنی و خسارات وارد شده به اموال، مفهومی متفاوت از تقصیر را در خصوص ضررهای اقتصادی اعمال می کنند: در حالی که معیار تقصیر در زمینه دسته اول از خسارات، تجاوز از رفتار پدر خوب خانواده است، در امور اقتصادی برای تشخیص تقصیر افراد این پرسش مطرح می شود که آیا خواننده مطابق با اصول وفاداری (loyauté)، صداقت (honnêteté) و حسن نیت (bonne foi) عمل کرده است یا خیر؟ (Viney et Jourdain, 1998, n° 474, p. 363) ج. تعدیل قانونی: در ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه پس از اعلام اصل لزوم جبران کامل خسارت، مقرر شده است: «مگر در موارد استثنایی یا متفاوتی که پس از این ذکر می شود». البته این محدودیتها بیشتر در خصوص مسؤلیت قراردادی است و مهم ترین آن ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی است که ضررهای پیش بینی نشده به هنگام انعقاد قرارداد را قابل جبران نمی داند؛ مگر اینکه از نیرنگ متعهد ناشی شده باشد. برای مثال، چنانچه در نتیجه تأخیر قطار، مسافری از کار خود بازماند، شرکت راه آهن مسؤل جبران خسارت نیست (Deschamps, 1996).

ب- نظام‌های بسته

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قاعده‌ای ابتدا در حقوق آلمان و سپس در حقوق انگلستان و آمریکا ظاهر شد که بر اساس آن خواننده مسؤل جبران ضررهای اقتصادی وارد شده به خواهان نیست. پیشینه این قاعده به حقوق روم بر می‌گردد (Gordley and Von Mehren, 200, 2006, pp. 308-310; Zimmermann, 1990, pp. 1036-38).

۱- حقوق آلمان: در حقوق آلمان این مسئله که واردکننده زیان مسؤل جبران چه ضررهایی است، عمدتاً بستگی به این دارد که در مسؤولیت مدنی چه منافی را می‌توان جزو «حقوق زیان‌دیده» به حساب آورد؟ در واقع، چون در این کشور مسؤولیت مدنی ضمانت اجرای نقض حقوق زیان‌دیده است، ضرر اقتصادی صرف نیز تنها در صورتی قابل جبران است که ناشی از نقض حقوق زیان‌دیده باشد (Bar, 2000, pp. 31-32). در حالی که در حقوق فرانسه برای تقاضای جبران خسارت حتماً لازم نیست که حقوق زیان‌دیده نقض شده باشد، بلکه تنها محروم شدن از «منافع مشروع» کفایت می‌کند^۲ (Terré, Simler and Lequette, 1993, nos. 673-). در حقوق آلمان ضررهایی قابل جبران است که مشمول یکی از سه اصل کلی مندرج در مواد ۸۲۳ و ۸۲۶ قانون مدنی این کشور باشد: پاراگراف اول ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان تنها مربوط به ضرر بدنی و مالی است و در آن از ضرر اقتصادی صحبت نشده است و این گونه خسارات تنها به استناد ماده ۸۲۶ (اضرار عمدی بر خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه) و ماده ۸۲۴ (اظهارات خلاف واقع که به اعتبار دیگری لطمه می‌زند) قابل جبران است. اما، اندکی پس از تصویب قانون مدنی، رویه قضایی آلمان، این وضعیت را ناعادلانه تشخیص داد و به این نتیجه رسید که لازم است در مواردی منافع

۱. حقوق ایتالیا، بلژیک، لوکزامبورک و اسپانیا نیز شبیه فرانسه است (Bar, vol. 2, 2000, p. 30). ماده ۲۰۴۳ قانون مدنی ایتالیا همانند ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه خسارات قابل جبران را محدود به خسارات ناشی از نقض حقوق مالکیت و خسارات بدنی نموده است؛ تنها کافی است که ضرر، غیر قابل توجیه باشد. مدت‌ها، رویه این بود که ضرر تنها هنگامی غیرقابل توجیه است که از نقض حقوق مطلق زیان‌دیده مانند مالکیت، آزادی، جان و حیثیت ناشی شده باشد یا اضرار عمدی باشد. اما، در طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رویه قضایی تغییر جهت داد و دیگر موارد خسارات قابل جبران را محدود به حقوق مطلق نمی‌داند، بلکه از حقوق نسبی و منافع اقتصادی هم حمایت می‌کند؛ برای مثال، در دعوی (Torino calcio spa v.) (Romero, 1971) دادگاه نظر داد که تیم فوتبال مرون (Meroni) به دلیل مرگ یکی از بازیکنانش در حادثه رانندگی می‌تواند از خطاکار ضررهای اقتصادی وارد شده به خود را تقاضا کند. از آن به بعد، بر اساس این رویه، طلبکار می‌تواند به دلیل صدمه به بدهکار خود خواهان جبران ضرر اقتصادی شود (Monateri, 1996, pp. 197-198).

۲. برای مثال، زن و مردی که عملاً با هم زندگی می‌کنند، اما هیچ رابطه قانونی بین آنها وجود ندارد، می‌توانند به دلیل مرگ یا مصدم شدن دیگری تقاضای جبران خسارت کنند.

اقتصادی نیز در مقابل تقصیر دیگران مورد حمایت قرار گیرد. از این رو سعی شده است تا به دو طریق ضرر اقتصادی به استناد این پاراگراف قابل مطالبه باشد: یکی از این دو راه برداشت مفهومی وسیع از نقض حق مالکیت است که مطابق آن برای این که نقض حق مالکیت محقق شود لازم نیست تا ضرورتاً مال تلف یا معیوب گردد، بلکه تنها کافی است که مالک موقتاً یا برای همیشه از استفاده از مال به صورت جزیی یا کلی محروم شود. در واقع، بیشتر به کارکرد اقتصادی مالکیت توجه می‌شود. برای مثال، در یکی از دعاوی که به دلیل تقصیر خواننده دیوار اسکله خراب شده بود و به این دلیل کشتی خواهان نتوانسته بود به مدت هشت ماه دریاوردی کند؛ دادگاه رأی داد که حق مالک کشتی نقض شده است، هر چند که از لحاظ مادی به کشتی آسیبی وارد نشده است (Van Dam, 1996, p. 167, no. 709). راه دیگر، استخراج حق دیگری از پاراگراف اول ماده ۸۲۳ با عنوان «حق بر کسب و کار مستقر و در حال انجام» است که نقض آن موجب مسئولیت مدنی است (Markesinis and Unberath, 2002, p. 71; Zweigert, Konard & Kötz, 1998, p. 604).

مسئولیت مدنی موضوع پاراگراف دوم ماده ۸۳۲ در صورتی جریان پیدا می‌کند که «قانونی که برای حمایت از دیگری وضع شده است» به گونه‌ای تقصیرآمیز نقض شود و در نتیجه آن خسارتی، از جمله ضرر اقتصادی، به بار آید. چنانچه ضرر اقتصادی عمداً و برخلاف اخلاق حسنه وارد شده باشد بر اساس ماده ۸۲۶ قابل جبران است. برای مثال، اگر کارفرمایی کارگر کارفرمای دیگر را به ترک کار وسوسه کند و بداند که از این رهگذر زبانی به بار می‌آید، از لحاظ مدنی مسئول جبران ضررهای اقتصادی نیز هست (Zweigert, Konard & Kötz, 1998, pp. 599-603).

بر اساس ماده ۸۳۹ قانون مدنی آلمان نیز ضرر اقتصادی قابل مطالبه است. این ماده مربوط به مسئولیت مدنی مأموری است که وظیفه رسمی خود دایر بر حمایت از منافع اقتصادی شخص ثالثی را نقض کند (Deutsch, 1996, p. 82; Markesinis and Unberath, 2002, p. 893).

۲- حقوق انگلستان: یکی از بسته‌ترین نظامها نسبت به جبران ضرر اقتصادی حقوق انگلستان است. جهت کلی حقوق این کشور آن است که ضرر اقتصادی مربوط به حقوق قراردادها است و در مسئولیت مدنی غیرقراردادی اینگونه خسارات مگر در موارد استثنایی (غالباً وقتی که اضرار عمدی باشد) قابل جبران نیست (Howarth, 1996, p. 27). در واقع، در حالی که فرد مکلف است تا به تمامیت جسمانی و اموال دیگران احترام بگذارد، نسبت به منافع اقتصادی صرف آنها چنین تکلیفی ندارد (Weir, 2006, p. 191). در حالی که در حقوق آلمان خسارات ناشی از محروم شدن از استفاده از مال جزو ضررهای مالی تلقی می‌شود نه ضرر اقتصادی، در حقوق انگلستان از لحاظ «خطای بی‌احتیاطی» (Tort of negligence) این گونه

خسارات نوعی ضرر اقتصادی تلقی می‌شود و به سختی قابل جبران است و از این رو اصولاً جبران ضرر مالی از طریق این خطا محدود به تجاوز به تمامیت فیزیکی مال است.^۱

برای مطالبه ضرر اقتصادی از طریق خطای بی‌احتیاطی لازم است ضرر قابل پیش‌بینی باشد؛ ارتباط نزدیک و مستقیم بین خواننده و خواهان وجود داشته باشد و قرار دادن وظیفه مراقبت و احتیاط بر عهده خواننده عادلانه، منصفانه و معقول باشد. در دعوی هدلی (Hedley) (Byrne and Co. Ltd v. Heller and Partners Ltd (HL, 1964)) خواهان که قصد داشت به یکی از مشتریانش وام بدهد از خواننده (بانک هلر) خواست تا در مورد وضعیت مالی او نظر دهد. بانک هم بر مبنای اطلاعات نادرست و با قید شرط عدم مسؤولیت اعتبار متقاضی وام را تأیید کرد. خواهان بر مبنای اطلاعات اعلام شده از طرف بانک به مشتری وام داد اما اندکی بعد او ورشکسته شد و وام‌دهنده متحمل ضرر اقتصادی گردید.^۲

تحول بعدی در قضیه کاپارو (Caparo Industries plc v. Dickman (1990)) روی داد که در آن بروشنی شرایط جبران ضرر اقتصادی مشخص شده است.^۳ در دعوی هاندرسان (Henderson v. Merrett Syndicates Ltd (HL, 1994)) اصل مندرج در قضیه هدلی گسترش پیدا کرد و تفکیک

۱. در حقوق انگلستان معمولاً برای تعیین قلمرو ضرر اقتصادی به دعوی (Spartan Steel v. Martin (1972)) استناد می‌شود که در آن به هنگام حفاری برق قطع شده بود و به همین دلیل به کارخانه تولید فولاد ضرر وارد گردیده بود، دادگاه استیناف نظر داد که واردکننده زیان نه تنها مسؤول پرداخت خسارات ناشی از فولادی است که در کوره سرد شده است (ضرر مادی وارد شده به اموال)، بلکه باید خسارات ناشی از محروم شدن از منافع ناشی از فروش آن مقدار فلز که در کوره موجود بوده (ضرر اقتصادی ناشی از خسارات وارد شده به اموال) است را نیز بپردازد، ولی خسارات ناشی از محروم شدن از تولید فلز در مدت تعطیلی کارخانه به خاطر قطع برق را (ضرر اقتصادی) چون ناشی از خسارات وارد شده به اموال نیست نمی‌توان مطالبه کرد. اما اگر سیم برق روی محوطه و ساختمان کارخانه افتاده بود و به آن خسارت وارد کرده بود همانند حقوق آلمان دسته‌آخر خسارات هم قابل مطالبه بود (Rogers, Winfield and Jolowicz on Tort Law, 2002, para. 5.32; Markesinis and Unberath, 2002, pp. 216-219).

۲. در این دعوا، هر چند دادگاه نظر داد که به خاطر شرط عدم مسؤولیت، خواننده مسؤول نیست، اما اظهار نظر گردید که در موارد مشابه لازم است رابطه خاصی بین خواهان و خواننده وجود داشته باشد و این رابطه هنگامی وجود خواهد داشت که خواننده بداند یا بایستی می‌دانست که زیان‌دیده به گونه‌ای معقول به مهارت یا اظهار نظر او یا به توانایی‌اش برای انجام بررسی سنجیده اعتماد کرده است. در واقع، لزوم «اعتماد معقول خواهان به خواننده» (Reasonable reliance) شرط اصلی جبران ضرر اقتصادی است (Birmingham, 2005, p. 16-17).

۳. در این دعوا، زیان‌دیده به اعتماد گزارش بازرس قانونی که شرکتی را حسابرسی کرده بود، آن شرکت را که سهامش در بورس عرضه شده بود، خریداری کرد. اما، بعد مشخص گردید که حسابرس میزان سود شرکت را یک و سه میلیون پوند اعلام کرده است، در حالی که به اشتباه توجه نکرده بود که هنوز مالیات از آن کسر نگردیده است و به همین دلیل به خواننده ۴۰۰۰۰۰ پوند خسارت وارد شد. در دعوی مورد بحث، لرد بریچ اعلام داشت که تحمیل وظیفه مراقبت و احتیاط به خواننده مستلزم این است که نه تنها ضرر برای او قابل پیش‌بینی باشد، بلکه رابطه نزدیک و مستقیمی بین وی و خواهان وجود داشته باشد و به نظر دادگاه قرار دادن وظیفه مراقبت و احتیاط بر عهده خواننده منصفانه، عادلانه و منطقی باشد. در این دعوا مجلس اعیان نظر داد که شرایط یادشده تنها در صورتی محقق می‌شود که حسابرس می‌دانست یا باید می‌دانست که گزارش حسابرسی سالیانه به اطلاع زیان‌دیده به عنوان شخصی خاص یا عضوی از گروهی معین، بویژه در ارتباط با معامله‌ای خاص، می‌رسد و او برای تصمیم به انجام معامله به آن اعتماد می‌کند.

(Merrett Syndicates Ltd (HL, 1994) اصل مندرج در قضیه هِدلی گسترش پیدا کرد و تفکیک مرسوم بین اظهارات تقصیرآمیز و اعمال تقصیرآمیز در زمینه مسؤولیت مدنی ناشی از تقصیر حرفه‌ای از بین رفت و به هر نوع پذیرش مسؤولیتی از جانب ارایه دهنده خدمات که زیان‌دیده به آن اعتماد کرده باشد (حتی اگر رابطه قراردادی بین آنان احراز نشود)، تسری داده شد.^۱ در حقوق انگلستان از طریق برخی از خطاهای مربوط به مداخله عمدی در منافع اقتصادی است هم می‌توان ضرر اقتصادی را مطالبه کرد.^۲

ج - مبانی و دلایل توجیهی

۱- دلایل مخالفین

۱-۱. دلیل مصلحت‌گرایانه: جبران ضرر اقتصادی دامنه مسؤولیت را نامشخص می‌کند. برای مثال، چنانچه بر اثر عیب تولید، خودرویی در ساعات پر رفت و آمد در داخل تونلی خراب شود و ترافیک سنگین ایجاد کند و در نتیجه آن به انبوهی از افراد ضرر اقتصادی وارد آید، آیا عادلانه و منطقی است که شرکت خودروسازی مسؤل جبران تمام این ضررها شناخته شود؟ پس باید پذیرفت که در معرض ضرر اقتصادی قرار گرفتن یکی از خطرات معمولی زندگی روزمره است (Banakas, 1996, p. 3). وانگهی، بر خلاف ضررهای دارای منشأ مادی، در غالب موارد پیش‌بینی ضررهای اقتصادی دشوار است (Harpwood, 2003, p. 71). از طرف دیگر، مکلف کردن افراد به جبران ضررهای اقتصادی از رقابت آزاد که که لازمه اقتصاد سرمایه‌داری

۱. در دعوی مذکور شرکت بیمه‌گر به دلیل پذیرش تقصیرآمیز تعهد توسط هیأت مدیره سندیکایی که عضو آن بود متحمل مسؤولیت‌های سنگین شده بود. قاضی گاف نظر داد که هیأت مدیره بروشنی در مقابل شرکت بیمه تقبل مسؤولیت کرده است، زیرا آنها چنین وانمود کرده بودند که در خصوص دادن مشاوره به آن شرک راجع به پوشش بیمه خطرات، تخصص و صلاحیت لازم دارند و آنها می‌دانستند که زیان‌دیده به کارشناسی آنها اعتماد کرده است (Van Dam, 2006, pp. 175-176).

۲. در حقوق آمریکا نیز قاعده کلی این است که برای جبران ضرر اقتصادی، بی‌احتیاطی (Negligence) به تنهایی کفایت نمی‌کند و زیان‌دیده لازم است ثابت کند که واردکننده زیان عمداً (Intent) به او ضرر زده است و حتی در خصوص اضرار عمدی هم در اینجا قواعدی که باعث گسترش مسؤولیت می‌شود مانند «سوء نیت انتقال یافته»^۲ اعمال نمی‌گردد. در خصوص خطاهای اقتصادی یا تجاری مسائل گوناگون مربوط به حقوق اساسی (مانند آزادی بیان)، ملاحظات اقتصادی و اخلاقی و تعیین مرز بین مسؤولیت قراردادی و مسؤولیت قهری مطرح شده است که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست (در این خصوص رک. به: Dobbs, vol. 2, 2001, p. 1115 and seq.; Schwartz, 1996, pp. 103-130). حقوق کانادا نیز در این زمینه شبیه حقوق انگلستان است، هر چند که اخیراً در برخی از دعوی، دادگاه عالی کانادا موضعی متفاوت از مجلس اعیان انگلستان اتخاذ کرده است (Feldthusen, 1996, p. 131). حقوق تعداد زیادی از کشورهای اروپایی نیز، همانند انگلستان و آلمان جزو نظام‌های بسته محسوب می‌شوند؛ از جمله مهم‌ترین این کشورها می‌توان کشورهای اسکانداویا، پرتغال، اتریش و سویس را نام برد (Paris, palmer and bussani, 2007, pp. 29-30; Werro, (1996, pp. 181-196).

و مبتنی بر بازار است، جلوگیری می‌کند و حتی می‌توان گفت که مغایر آزادی بیان است. برای مثال، مانع انتقاد از آلوده‌کنندگان محیط زیست و مشاغلی شود که اخلاق حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند.

۱-۲. نسبت ارزشها در مسئولیت مدنی: ضرر قابل جبران در مسئولیت مدنی سلسله مراتبی دارد که در رأس آن لطمات وارنده به جسم و جان انسان قرار دارد؛ پس از آن ضررهای وارد شده به اموال و در پایین‌ترین مرتبه ضرر اقتصادی قرار می‌گیرد (Stevens, 2007, pp. 26-27; Starck, 1958, pp. 37-38; Starck, 1972, p. 21).^۱

۱-۳. کارایی اقتصادی: نقض حق مالکیت که منجر به خسارت یا اتلاف منابع شود کاملاً با ضرر اقتصادی صرف متفاوت است. برای مثال، اگر خانه‌ای سوزانده شود، «ضرر اجتماعی»^۲ و «ضرر شخصی» برابر است در این صورت تکلیف وارد کننده زیان به جبران خسارت کارایی دارد و منجر به ایجاد انگیزه بهینه برای احتیاط می‌شود. اما در خصوص ضرر اقتصادی وضعیت ممکن است کاملاً متفاوت باشد: در اینجا دیگر «ضرر اجتماعی» و «ضرر شخصی» لزوماً با هم منطبق نیستند و ضرر اجتماعی ممکن است کمتر از ضرر شخصی باشد. برای مثال، فرض کنید حسابرسی به دلیل سهل‌انگاری، ارزش شرکتی را اشتباه ارزیابی می‌کند. شخص ثالثی که با حسابرس رابطه قراردادی ندارد و به گزارش حسابرس اعتماد می‌کند و شرکت را به قیمتی بالاتر از قیمت واقعی می‌خرد و در نتیجه دچار ضرر می‌شود. این حالت کاملاً با وضعیتی که در آن منابع تلف شده است متفاوت است؛ زیرا ویژگی مسئله بازی با نتیجه صفر است: درست است که خریدار متضرر شده، اما در مقابل فروشنده به همان میزان نفع برده است و این از لحاظ اجتماعی با فرضی که اموال تلف شده است یا ضرر بدنی به بار آمده است متفاوت است (Schäfer and Ott, 2004, 253-255).

۱-۴. دشواری بیمه: هر چند از لحاظ نظری امکان بیمه ضررهای اقتصادی بویژه در قالب بیمه مسئولیت مدنی حرفه‌ای وجود دارد؛ اما در عمل شرکت‌های بیمه کمتر به تحت پوشش قرار دادن چنین ضررهایی تمایل دارند و در صورت پوشش آن حق بیمه بسیار بالایی را طلب خواهند کرد (Deutsch, 1996, p. 86; Nussenbaum, 2009, p. 285-288).

۱-۵. نقض نشدن حق: ورود ضرر اقتصادی به خودی خود هیچ حقی را از زیان‌دیده نقض نمی‌کند (Benson, 1995, p. 427).

۱. برای تفصیل بحث در این خصوص رک. به: بادینی، ۱۳۸۴، ش. ۲۹۰.

۲. منظور از ضرر اجتماعی ضرری است که در مجموع در نتیجه فعل زیانبار به جامعه وارد می‌شود.

۲- دلایل موافقین

۲-۱. هر شخصی باید از طریق ضمانت اجرای مسئولیت مدنی در مقابل تقصیر دیگران حمایت شود، خواه ضرر مالی باشد یا بدنی یا اقتصادی.

۲-۲. این استدلال که در صورت جبران ضرر اقتصادی دامنه مسئولیت نامشخص خواهد شد قابل قبول نیست، زیرا همیشه این گونه نیست که با انبوهی از زیاندیدگان روبرو باشیم. برای مثال، در فرضی که شخصی کالایی معیوب را خریداری می‌کند و برای تعویض و پس دادن کالا متحمل ضرر اقتصادی می‌شود، تنها زیان‌دیده، همان خریدار است. وانگهی، صرف این امر که تعداد زیاندیدگان زیاد است، دلیلی قانع‌کننده برای تحمیل مسئولیت به واردکننده زیان نیست. برای مثال، چنانچه بر اثر انفجار کارخانه‌ای که در آن مواد شیمیایی تولید می‌شود، هزاران نفر متحمل ضرر اقتصادی شوند و حتی این ضرر برای نسل‌های آینده هم وجود داشته باشد، چرا نباید تولیدکننده را مسئول شناخت؟ آیا بریء کردن او به منزله دادن مجوز انتشار تقصیرآمیز گاز سمی از سوی عاملان زیان بالقوه نیست؟

۲-۳. درست است که منافع اقتصادی نسبت به ایمنی و سلامت انسان از اهمیت کمتر برخوردار است، اما این دلیل بر آن نیست که از این منافع حمایت نشود. در خصوص اموال نیز این بیشتر منافع اقتصادی اموال است که برای اشخاص ارزش دارد. در واقع، هر چند ممکن است برای کسی ارزش معنوی مال مهم باشد (مثلاً حلقه نامزدی) اما در غالب موارد مطلوبیت اموال به خاطر ارزش اقتصادی آنهاست. پس، چرا باید بین ضرر مالی و ضرر اقتصادی تفاوت وجود داشته باشد (Stevens, 2007, pp. 20-21).

۲-۴. هر چند ممکن است در مواردی به دلیل بیشتر بودن ضرر خصوصی از ضرر اجتماعی، جبران ضررهای اقتصادی ناکارآمد باشد؛ اما اگر ضرر خصوصی و اجتماعی برابر باشد و منابع کاملاً نابود شود یا به نحوی غیرقابل استفاده گردد، وضعیت فرق می‌کند. در چنین مواردی خسارت باید پرداخت شود. برای مثال، فرض کنید در نتیجه تقصیر شرکت نفتی، نفت در دریا نشت می‌کند و موقتاً ماهی‌های موجود از بین رود و به این ترتیب به ماهیگیران آنجا ضرر وارد شود. در اینجا نیز حق مالکیت نقض نمی‌شود، زیرا کسی مالک ماهیها نیست. اما، ضررهای خصوصی و اجتماعی برابری در صورت فقدان مسئولیت، منبعی ارزشمند بدون حمایت باقی می‌ماند. اگر لکه نفتی نه به ماهیها، بلکه به ساحل دریا در یک تفریحگاه آسیب رساند، وضعیت فرق نمی‌کند؛ اگر چه به منبعی خاص خسارت وارد نشده، اما استفاده از ساحل مختل شده است (Schäfer and Ott, 2004, 257-258).

گفتار سوم - حقوق اسلام و ایران

در حقوق ایران و اسلام استفاده از اصطلاح «ضرر اقتصادی» رایج نیست و تنها اخیراً بوسیله یکی از حقوقدانان به کار رفته است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰-۱۶۸) و معادل دقیقی برای آن وجود ندارد و نزدیک‌ترین اصطلاح به آن واژه «عدم‌النفع» یا «تقویت منفعت» است.^۱ وجه اشتراک تعاریفی که از عدم‌النفع ارایه شده این است که «عدم‌النفع محروم شدن از منافع مورد انتظار و یا به عبارتی جلوگیری از افزایش اقلام مثبت دارایی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹-۳۰۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، الزام‌های خارج از قرارداد، ج. اول، ص ۲۴۳؛ بهرامی احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸؛ امامی، ۱۳۷۰، ج ۱، اول، ص ۴۰۷ و ۴۰۸)؛ در حالی که مفهوم ضرر اقتصادی وسیع‌تر است و علاوه بر محروم شدن از منافع، تحمل هزینه‌ها، کاهش ارزش اموال و بطور کلی افزایش اقلام منفی دارایی را هم که منشأ مادی ندارد، در بر می‌گیرد.^۲

الف - حقوق اسلام

در حقوق اسلام همانند نظام‌های بسته مسؤولیت مدنی (آلمان، انگلستان، آمریکا و...)، ضرر اصولاً باید پایگاه مادی داشته باشد و به همین خاطر ضمان قهری در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته ضمان بالمال (نظام جبران خسارات مالی) و ضمان بالنفس (نظام جبران خسارت بدنی) تقسیم شده است (المحصانی، ۱۹۴۸، ص ۱۶۸؛ الخفیف، ۱۹۷۱، ص ۱۵۵ به بعد؛ الزحیلی، ۱۹۹۸، ص ۳۱۸ به بعد). نظام دیات و ارش مختص جبران خسارت بدنی است و در این که سایر موجبات ضمان قهری عمدتاً برای خسارات وارد شده به اموال است و منافع اقتصادی را در بر نمی‌گیرد، تردید چندانی وجود ندارد. مقصود از اتلاف مال در قاعده اتلاف (اعم از اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب) از بین بردن اعیان خارجی و منفعی است که منشأ مادی داشته باشد؛ یعنی منفعت ناشی از اشیاء، حیوانات و یا انسان باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ هـ ق، جلد دوم، ص ۱۹۳ و ۲۰۵؛ مراغه‌ای، میر عبدالفتاح الحسینی، ۱۴۱۸ هـ ق، ج ۲، ص ۴۳۴ و ۴۳۸). پس، این تنها از بین بردن اموال موجود است که ضمان آور است نه جلوگیری از پیدایش اموال در آینده (لنگرودی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۹). همچنین قاعده ضمان ید تنها شامل اعیان و اموال می‌شود و انسان و به تبع آن منافع او را در بر نمی‌گیرد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۸۳؛ مراغه‌ای، ۱۴۱۸ هـ ق، ص ۴۲۷). غصب نیز برای حمایت از اموال

۱. با توجه به این که مفهوم اصطلاح عدم‌النفع در حقوق اسلام و ایران تا حدودی مبهم و تعاریفی که از آن ارایه شده است تمام مصادیق ضرر اقتصادی را پوشش نمی‌دهد، ناگزیر از استفاده از اصطلاح ضرر اقتصادی شدیم.

۲. همچنین لازم است به این نکته توجه شود که «عدم‌النفع» در حقوق اسلام و ایران با تلف منفعت مال (اعم از مستوفات و غیر مستوفات) فرق می‌کند. مشهور فقهاء در خصوص ضمان منافع مال تردید نکرده‌اند. پس اگر، غاصبی خانه‌ای را غصب کند و مالک را از اجاره دادن یا سکونت در آن محروم کند به آن عدم‌النفع گفته نمی‌شود، بلکه این خود نوعی ضرر مالی است (حکمت‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۳۳۱).

طراحی شده است و اگر استیلاء بر حق غیر را هم مشمول آن بدانیم، کما این که بسیاری از فقهاء چنین برداشتی دارند (سعیدالفقی، ۲۰۰۳ میلادی، ص ۲۴-۱۱؛ عاملی، بی تا، ج دوم، ص ۲۲۷؛ رملی، هـ. ق ۱۳۵۷، ج ۵، ص ۱۴۳)، تنها آن دسته از ضررهای اقتصادی را که ناشی از نقض حق است در بر می‌گیرد. نگرش عینی و مادی به مالکیت هم در بین فقیهان مشاهده می‌شود: آنان مالکیت را رابطه‌ای خاص میان شخص و یک شیء مادی می‌دانند که حق محروم کردن سایرین از آن شیء خاص از آثار این رابطه به شمار می‌رود. در واقع، چون حقوق اسلام در بطن جامعه سنتی و کشاورزی پرورش یافته است، تلقی فقیهان از «ثروت» بیشتر اموال مادی است. این نوع نگرش گاه در بین آنان جنبه افراطی پیدا کرده است به نحوی که تعداد زیادی اتلاف حکمی را مشمول قاعده اتلاف نمی‌دانند و حتی گروهی از فقیهان اهل سنت،^۱ منافع را بویژه منافع متصل را ضمان آور نمی‌دانند اگر چه منافع عین باشد (کاسانی، ۱۳۲۸ هـ. ق، ص ۷؛ ابن نجیم، ۱۹۹۶، ص ۲۰۴؛ دسوقی، ۱۲۹۵ هـ. ق، ص ۴۴۸؛ سعیدالفقی، ۲۰۰۳ میلادی، ص ۱۵-۱۱).

بر این اساس، بیشتر فقیهان عدم‌النفع را قابل جبران نمی‌دانند و اصولاً آن را ضرر تلقی نمی‌کنند (عدم‌النفع لیس بضرر). با این همه در کتب فقهی بحثی منسجم در این باره یافت نمی‌شود و بیشتر فقیهان بدون اراییه تعریفی کلی از عدم‌النفع به بحث در خصوص برخی مصادیق آن از جمله حبس انسان آزاد و محروم کردن او از اجرتی که می‌توانست تحصیل کند یا ممانعت صاحب مال از فروش مال به نحوی که بعد از رفع ممانعت قیمت آن در بازار کاهش یابد، پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که به دلیل عدم شمول موجبات ضمان یا قاعده لاضرر نسبت به این موارد چنین ضررهایی قابل جبران نیست (نجفی، جلد ۱۳۶۷، ص ۳۷، ۱۴؛ محقق حلی، جلد چهارم، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۷۶۱؛ نائینی، ۱۴۱۸ هـ. ق، ج ۳، ص ۳۷۸). تنها تعداد اندکی از فقیهان به استناد عموماً، بویژه قاعده لاضرر حکم به ضمان داده‌اند (محقق داماد، ۱۳۷۰، ص ۱۶۷-۱۶۵؛ محمدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۳ و ۱۸۴). از جمله این فقیهان مرحوم نراقی است که بر این باور است ضرر مفهومی عرفی است و حقیقت شرعی ندارد و تشخیص ضرر محسوب شدن عدم‌النفع به نظر عرف است و هر جا که عرف عدم‌النفع را ضرر بدانند، می‌توان به قاعده لاضرر استناد کرد (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۴۹ و ۵۰ و ۵۷). همچنین گفته شده که بسیاری از موارد سنتی اعمال و اجرای قاعده لاضرر در خصوص عدم‌النفع بوده است: مانند داستان آسیابان و صاحب قریه که چون تغییر مسیر آب انتفاع آسیابان را ناممکن می‌ساخت، اضرار به وی محسوب شده یا در مورد داستان قضاوت پیامبر در زمینه آبیاری درختان خرما بوسیله صحرائشینان (بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۵۰-۳۹).

۱. ابن حمزه از فقیهان شیعه نیز به استناد حدیث «الضمان بالخراج» چنین نظری دارد؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷.

ب- حقوق ایران

بر خلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود، ضرر اقتصادی هیچگاه در نظام حقوقی ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بطور مطلق قابل جبران نبوده، بلکه تنها محدود به موارد خاص بوده است. سیری در قوانین و رویه قضایی این نظر را تأیید می‌کند. مقررات مربوط به اتلاف، تسبیب و غصب در قانون مدنی به تبعیت از فقه به منشأ مادی ضرر وفادار بوده و تنها خسارات وارد شده به مال یا بدن را قابل جبران می‌داند و منافع اقتصادی صرف را در بر نمی‌گیرد. قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به پیروی از حقوق آلمان از نظام بسته جبران ضرر تبعیت کرده و تنها نقض حق را موجب مسؤولیت مدنی دانسته است. ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی بر خلاف قانون مدنی فرانسه به شمارش حقوقی که نقض آنها تکلیف به جبران خسارت را به دنبال دارد (جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتمی) پرداخته و برای این که حقی از دایره شمول بیرون نماند در پایان اعلام داشته است: «یا بهر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید». ماده ۶ هم که زیان‌دیده بازتابی را تنها در صورتی مستحق دریافت خسارت دانسته است که از حق قانونی (حق گرفتن نفقه) محروم شود نه صرف از دست دادن موقعیت عملی.^۱

بعد از اصلاح قوانین مربوط به آیین دادرسی، بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ همانند قانون قبلی «منافع ممکن الحصول» را به عنوان یکی از انواع خسارات قابل مطالبه ناشی از جرم بر شمرده است. اما، در قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی که یک سال بعد (۱۳۷۹) به تصویب رسیده است در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ اعلام شده است: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست» و ماده ۲۶۷ همان قانون نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده است: «ضرر و زیان ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست». پاره‌ای از حقوق‌دانان برای جمع این دو متن متعارض گفته‌اند: منظور قانون آیین دادرسی مدنی از قابل مطالبه نبودن عدم‌النفع، عدم‌النفعی است که جنبه کاملاً احتمالی داشته باشد به نحوی که عرفاً ضرر محسوب نشود. اما محروم شدن از منفعی که عرفاً و به حکم عادت ایجاد می‌شود، ضرر است و عمومات لزوم جبران ضرر ناروا شامل آن هم می‌شود

۱. ۷۲۸ ماده قانون آیین دادرسی مدنی سابق که اعلام داشته بود: «ضرر ممکن است بواسطه از بین رفتن مالی باشد یا بواسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است»، تنها در مقام بیان انواع ضرر بوده است و در خصوص قابل جبران بودن یا نبودن این نوع ضررها حکمی ندارد و چون قانونی شکلی بوده نه ماهوی اصولاً قابلیت آن را هم نداشته است. پس، در نظام سابق هم برای تشخیص ضررهای قابل جبران لازم بوده به قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی رجوع شود. وانگهی، ماده مذکور تنها به فوت شدن منفعت ناشی از انجام تعهد اشاره کرده است؛ قسمی از ضرر اقتصادی که کمتر نسبت به قابلیت جبران آن تردید شده است. در مقابل بند ۳ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق به صراحت یکی از انواع ضررهای قابل مطالبه ناشی از جرم را منافع ممکن الحصولی دانسته بود که در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم شده است.

(کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ج دوم، ۱۳۸۷، صص ۲۴۴-۲۴۳؛ امامی، ۱۳۷۰، صص ۴۰۷ و ۴۰۸؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۴؛ ره‌پیک، ۱۳۷۹، صص ۳۵ و ۳۶؛ سامت، صص ۷۶-۵۳؛ شکاری، ۱۳۸۰، صص ۱۰۹-۹۳). طبق این نظر چنانچه عدم‌النتفع مسلم باشد، اصل بر قابل جبران بودن آن است. اما، این استدلال تنها صورت مسئله را پاک می‌کند و اصل مسئله را حل نمی‌کند؛ زیرا روشن است، چنانچه عدم‌النتفع، احتمالی باشد، یکی از شرایط قابل جبران بودن ضرر که مسلم بودن آن است، محقق نمی‌شود و این مختص عدم‌النتفع نیست، بلکه در خصوص هر نوع ضرری اعمال می‌شود. پس، باید اذعان کرد که قانون مدنی، قانون مسؤولیت مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص ضرر اقتصادی (از جمله عدم‌النتفع) متضمن اصلی کلی است که بر اساس آن: چنانچه ضرر پایگاه مادی نداشته باشد، یعنی ناشی از ورود خسارت به مال یا بدن نباشد، قابل مطالبه نیست، مگر در موارد خاص که در قانون تصریح شده باشد. استقراء در قوانین مختلف نشان می‌دهد که موارد استثناء به شرح زیر است:

- ۱- ضرر اقتصادی مسلم ناشی از جرم^۱ که در بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، چنانچه به خاطر تصرف عدوانی مال، مالک نتواند آن را بفروشد و قیمت مال نسبت به قبل کاهش پیدا کند، مرتکب جرم مسؤول جبران آن خواهد بود.^۲ یا چنانچه شخصی با علم و عمد حقوق مالکیت صنعتی دیگری را نقض کند و مرتکب جرم موضوع ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ شود، باید ضررهای اقتصادی ناشی از این جرم را هم جبران کند. با این همه، رویه قضایی در جبران ضرر اقتصادی ناشی از جرم سخت‌گیری می‌کند و لازم می‌داند تا ضرر بلاواسطه، ناشی از ارتکاب جرم باشد.^۳
- ۲- چنانچه ضرر اقتصادی ناشی از نقض حق یا محروم شدن از حق قانونی باشد نباید نسبت به جبران آن تردید کرد. ماده ۵ قانون مسؤولیت مدنی یکی از مصادیق این حق را که محروم شدن از حق گرفتن نفقه است بیان کرده است. سایر حقوق نیز مانند نقض حقوق

۱. قسمت دوم فصل دوم قانون خسارت‌های مسؤولیت مدنی سوئد مصوب ۱۹۷۲ هم به صراحت جبران ضررهای اقتصادی را منوط به این دانسته است که ناشی از ارتکاب جرم باشد (Schäfer and Ott, 2004, pp. 112-113).

۲. تبصره ۲ ماده واحده قانون راجع به رفع تجاوز و جبران خسارات وارده به املاک مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ ضرر اقتصادی ناشی از تجاوز به املاک را قابل جبران شناخته است: «در صورتی که تجاوز به اراضی مجاور موجب کسر قیمت باقیمانده آن نیز بشود در احتساب ضرر مالک اراضی، منظور خواهد شد».

۳. برای مثال هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره ۸-۱۲/۴/۱۳۷۵ چنین اظهار نظر کرده است: «حکم شماره ۵۹۲-۱۳۷۳/۱۲/۲۸ شعبه سوم دادگاه حقوقی یک اصفهان که متضمن محکومیت تجدیدنظر خواه به پرداخت مبلغ دو میلیون ریال بابت هزینه‌های تجسس در یافتن بره‌ها و حضور در مراجع قانونی در مراحل مختلف و هزینه بازماندن از کار می‌باشد، صحیح نبوده مخدوش است، زیرا موضوع انطباقی با قانون مسؤولیت مدنی که مورد نظر دادگاه واقع شده نداشته و از مصادیق خسارات و ضرر مسلم بلاواسطه ناشی از جرم نیز به نظر نمی‌رسد...» (غمامی، ۱۳۸۴، صص ۲۷۶-۲۶۱).

مالکیت فکری، حیثیت و اعتبار اشخاص حقیقی و حقوقی، آزادی و... همین حکم را دارد. برای مثال، چنانچه کاسبی بطور غیرقانونی بازداشت شود یا مانع از آن شوند که در محل کسب و کار خویش حاضر شود، چون حق آزادی او سلب شده است، خساراتی که به خاطر محروم شدن از کسب درآمد در مدت بازداشت به وی وارد می‌شود قابل مطالبه است. همچنین اگر حق مالکیت فرد نقض شود، بر اساس مقررات خاص که در بحث غصب و تصرف غیرقانونی مال غیر وجود دارد، ضررهای اقتصادی ناشی از آن هم قابل مطالبه است، خواه مال از لحاظ مادی آسیب دیده باشد یا خیر؛ مثل این که به دلیل غصب مال و یا جلوگیری از استفاده از آن (مثل این که نگذارند دارنده اتومبیل سوار آن شود یا مالک منزلی در آن سکنی گزیند)، مالک از منافع مال محروم شود یا به دلیل ضبط غیرقانونی مال، قیمت آن نسبت به قیمت قبل از ضبط تنزل پیدا کند و مالک از فروش مال به قیمت بالاتر محروم شود. در واقع، چون بر اساس ویژگی انحصاری بودن حق مالکیت، مالک می‌تواند هر تصرفی را که مایل باشد در مال خود بکند و مانع از تصرف و انتفاع دیگران از آن شود و تمام مردم مکلف به رعایت این حق هستند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). تصرف مال بوسیله دیگران یا ایجاد مانع برای استفاده از آن نقض حق است و نقض کننده باید تمام خسارات ناشی از عمل خود را جبران کند. بر این اساس، عناصر اقتصادی خسارت بدنی را هم که ناشی از تجاوز به تمامیت جسمانی فرد است و در مواد ۵ و ۶ قانون مسؤولیت مدنی به آن اشاره شده است، می‌توان قابل جبران دانست.

۳- طرفین قرارداد در حین انعقاد قرارداد می‌توانند در عقد تصریح کنند که در صورت تخلف از تعهد ضامن جبران ضرر اقتصادی هم باشند. اگر هم شرط صریحی در این زمینه وجود نداشته باشد، می‌توان گفت که امروزه در عرف تجاری و قراردادی چنین شرطی بطور ضمنی در همه قراردادهای وجود دارد و حتی می‌توان گفت آنچه که نیاز به تصریح دارد نفی جبران ضرر اقتصادی است، زیرا در غیر این صورت امنیت و اعتماد در روابط قراردادی از بین خواهد رفت.^۱ در پاره‌ای از قوانین، قانونگذار به صراحت ضرر اقتصادی را در روابط قراردادی قابل مطالبه دانسته است؛ از جمله در ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶.

نتیجه

مبنای نظری اختلاف در خصوص قابلیت جبران ضرر اقتصادی را باید در دو مفهوم بنیادین «عدالت» و «کارایی» جستجو کرد: در حالی که طرفداران قابلیت جبران ضرر اقتصادی

۱. در تأیید این نظر رک. به: وحدتی شبیری، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶-۲۶۹.

غالباً به عدالت و ملاحظات اخلاقی مربوط به رابطه بین واردکننده زیان و زیان‌دیده توجه می‌کنند؛ مخالفان بر این باورند که باید در سطح کلان به موضوع نگاه کرد و ملاحظات اجتماعی و اقتصادی را هم در نظر گرفت. حتی در آن دسته از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه که اصل بر قابلیت جبران ضرر اقتصادی است، دادگاهها در عمل سعی می‌کنند تا از طریق اعمال شرایط ضرر قابل مطالبه مانند مستقیم بودن و مسلم بودن ضرر تا حدودی دامنه ضررهای اقتصادی قابل جبران را محدود کنند.^۱ بیشتر حقوقدانان ایرانی، ممنوعیت جبران ضرر اقتصادی را که عمدتاً در زمینه مباحث مربوط به عدم‌النفع مطرح شده است، مورد انتقاد قرار داده و سعی کرده‌اند تا به هر نحو ممکن در جهت قابلیت جبران این‌گونه ضررها استدلال کنند. در حالی که با توجه به مطالعه صورت گرفته، به نظر می‌رسد این نکته را که در حقوق اسلام و ایران اصل بر قابل جبران نبودن ضرر اقتصادی است، باید جزو نقاط قوت نظام حقوقی دانست نه کاستی و ضعف آن. وانگهی، بر خلاف آنچه معمولاً گمان می‌شود، بحث بر سر مسلم بودن یا احتمالی بودن عدم‌النفع نیست، زیرا عدم‌النفع احتمالی را به دلیل محقق نشدن یکی از ارکان مسئولیت مدنی (مسلم بودن ضرر) نمی‌توان مطالبه کرد؛ اما قابل جبران نبودن عدم‌النفع مسلم دلیل مصلحت‌گرایانه دارد و آن ملاحظات اقتصادی و عملی و جلوگیری از گشودن بی حد و حصر دروازه مسئولیت مدنی است. با این همه، نشان داده شد که در مواردی جبران ضرر اقتصادی ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

الف- فارسی و عربی

۱. امامی، سید حسن، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هشتم، کتابفروشی امامیه.
۲. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
۳. بجنوردی، سید محمد حسن، (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، نشر هادی.
۴. بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۷۷)، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات چاپ سوم.
۵. بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۸۹)، قواعد فقه، جلد دوم، قاعده لاضرر، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۹)، حقوق تعهدات، چاپ دوم.
۷. حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه: مبانی و ساختار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. الخفیف، شیخ علی، (۱۹۷۱)، الضمان فی الفقه الإسلامی، معهد البحوث و الدراسات العربیه.
۹. رملی، شمس الدین محمد بن ابی العباس (شافعی صغیر)، (۱۳۵۷) هـ.ق، النهایه المحتاج، ج. ۵، مطبعه البابی، مصر.

۱. در این راستا در ماده (۴) ۲۰۲:۲ طرح پیشنهادی اصول مسئولیت مدنی اروپایی (PETL) حمایت از منافع اقتصادی منوط به این شده است که رابطه نزدیک و مستقیمی بین واردکننده زیان و زیان‌دیده وجود داشته باشد یا واردکننده زیان با علم به این که منافع او کم‌ارزش‌تر از منافع زیان‌دیده است به او ضرر وارد کند (Van Dam, 2006, p. 170).

۱۰. ره پیک، سیامک، (۱۳۷۹)، خسارت عدم النفع: نظریات و مقررات، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۱۱. الزحیلی، وهبه، (۱۹۹۸)م، «نظریه الضمان...»، دارالفکر المعاصر، دمشق.
۱۲. سامت، محمد علی، (۱۳۷۷)، فوت منفعت...، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۲.
۱۳. سعید الفقی، دکتور حامد عبده، (۲۰۰۳) میلادی، احکام الغصب فی الفقه الإسلامی، دارالفکر الجامعی، اسکندریه.
۱۴. شکاری، روشنعلی، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آدم... ش. ۵۲ مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران
۱۵. عاملی، زین الدین علی بن احمد مشهور به شهید ثانی، بی تا، مسالک الأفهام، ج. ۲، طبعه الجریه.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲) «موجبات ضمان» نشر میزان، چاپ اول، تهران.
۱۷. غمامی، مجید، (۱۳۸۴)، ضرر جبران پذیر از دیدگاه رویه قضایی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۷۰.
۱۸. قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۷)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ پنجم.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از عیب تولید»، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، «الزام‌های خارج از قرارداد»، ج. دوم، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مراغه ای، سید میر عبد الفتاح، (۱۴۱۸) هـ. ق، العناوین، جلد دوم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۲۲. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۰)، قواعد فقه، بخش مدنی، نشر علوم اسلامی، چاپ سوم.
۲۳. محقق حلی، (۱۴۰۹)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج. چهارم، چاپ دوم، انتشارات استقلال، تهران.
۲۴. محمدی، ابولحسن، (۱۳۷۳)، قواعد فقه، نشر یلدا، چاپ اول.
۲۵. المحمصانی، صبحی، (۱۹۴۸)، النظریه العامه للموجبات و العقود فی الشریعه الإسلامیه، مکتبه الکشاف، الجزء الأول.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۶) هـ ق، القواعد الفقیه، مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، جلد دوم، چاپ چهارم.
۲۷. نائینی، میرزا محمد حسین، (۱۴۱۸) هـ ق، منیه الطالب، مؤسسه نشر اسلامی، جلد سوم.
۲۸. نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۳۷، دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم.
۲۹. نراقی، احمد ابن محمد مهدی، (۱۳۷۵)، عوائد الأيام، مرکز نشر، چاپ اول، قم.
۳۰. وحدتی شبیری، سید حسن، (۱۳۸۵)، مبانی مسئولیت قراردادی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ب- خارجی

- 1-Banakas, Efstathios, (1996), **Tender is the Night: Economic Loss-the Issues**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, Volume 16, Kluwer Law International, First edition.
- 2-Bar, Christian von, (2000), "**The Common European Law of Torts**", Vol 2, Oxford.
- 3-Benson, Peter, (1995), **The Basis for excluding Liability for Economic Loss in Tort Law**, In Philosophical Foundations of Tort Law, Edited by David G. Owen, Oxford.
- 4-Deakin, Johnston, and Markesinis, (2008), **Markesinis and Deakin's Tort Law**, Oxford.
- 5-Deschamps, Christian Lapoyade, (1996), **La réparation de préjudice économique pur en droit français**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, op.cit.
- 6-Deutsch, Erwin, (1996), **Compensation for Pure Economic Loss in German Law**, 1996, Translated by Tony Weir, in Civil Liability for Pure Economic Loss, .op.cit.
- 7-Dobbs, Dan B., (2001), **The Law of Torts**, West Group, 1st reprint edition.
- 8-Feldthusen, Bruce, (1996), **The Recovery of Pure Economic Loss in Canada**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, op.cit.
- 9-Gordley, James and Von Mehren, Arthur Taylor, (2009), **An Introduction to the Comparative Study of Comparative Law**, Cambridge University Press.
- 10-Gray, Christopher Berry, (1999), "**The Philosophy of Law: An Encyclopedia**," 2 Volumes, Garland Publishing, INC.
- 11-Harpwood, Vivienne, (2003), **Modern Tort Law**, Gavendish Publishing Limited.
- 12-Hedley, Steve, (2006), **Tort**, Oxford, 5th edition.
- 13-Howarth, David, (1996), **Economic Loss in England: the Search for Coherence**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, op.cit.
- 14-Le Tourneau, Philippe, "**Responsabilité civile Professionnelle**," Dalloz, 2005.
- 15-Lunney, Mark & Oliphant, Ken, (2000) "**Tort Law: Text and materials**," Oxford.

- 16-Markesinis, B. S. and Unberath Hannes, (2002), "The German Law of Torts, A Comparative Treatise," Fourth edition, Hart Publishing.
- 17-Monateri, P.G., (1996), **Economic Loss in Italy**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, op.cit.
- 18-Nussenbaum, Maurice, (2009), **La réparation du préjudice économique**, dans Les limites de la reparation du prejudice, Dalloz.
- 19-Parisi, Francesco, Palmer, Vernon Valentine and Bussani Mauro, (2007), **The comparative law and economics of pure economic loss**, International Review of Law and Economics, 27, 29-48.
- 20-Rogers, W.V.H., (2002), "Winfield and Jolowics on Tort", Sweet and Maxwell.
- 21-Schäfer and Ott, (2004), **The Economic Analysis of Civil Law**, Edward Elgar.
- 22-Schilcher, Bernd and Posch, Willibald, (1996), **Civil Liability for Pure Economic Loss: An Austrian Perspective**, in Civil Liability for Pure Economic Loss, op.cit.
- 23-Schwartz, Gary T., (1996), **The Economic Loss Doctrine in American Tort Law: Assessing the Recent Experience**, in Civil Liability for Pure Economic Loss.
- 24-Starck, Roland and Boyerl, (1999), **Obligations**, 4th edn., Litec.
- 25-Stevens, Robert, (2007), **Torts and Rights**, Oxford University Press.
- 26-Terré (François), Simler (Philippe) et Lequette (Yves), (1993), "Droit civil, Les obligations", 5e edition, Éditions Dalloz.
- 27-Van Dam, Cees, (2006), **European Tort Law**, Oxford University Press.
- 28-Viney, Geneviève et Jourdain, Patrice, (1998), "Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité", 2ème édition, L.G.D.J.
- 29-Whittaker, Simon, (2005), **Liability for Products**, Oxford University press.
- 30-Weir, Tony, (2006), **An Introduction to Tort Law**, Second Edition, Oxford.
- 31-Werro, Franz, (1996), **Tort Liability for Pure Economic Loss: A Critique of Current Trends in Swiss Law**, in Civil Liability for Pure Economic Loss.
- 32-Zweigert, Konard & Kötz, Hein, (1998), "An Introduction to Comparative Law", Translated by Tony Weir, Clarendon Press, Oxford, Third revised edition.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، سال ۸۲، شماره ۶۲؛ «هدف مسئولیت مدنی»، سال ۸۳، شماره ۶۶؛ آیا حقوق دانش مستقلاً است؟ سال ۸۵، شماره ۷۴؛ قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷. «جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی ایران»، سال ۱۳۸۷، شماره ۴. «نگرشی انتقادی به معیار «انسان معقول و متعارف» برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی» سال ۱۳۸۹، شماره ۱. «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیر قراردادی متصدی حمل و نقل هوایی» سال ۱۳۸۹، شماره ۳.